

## کوروش در روایات شرق

-۳-

این بلخی در فارسنامه روایت میکند ۱: «چون بخت النصر گذشته شد، پسری داشت نمرود نام، یک چند بجای پدر بنشست، و بعد پسری داشت بخت النصر نام... اما کارندانستند، کردو بهمن اورا عزل فرمود، و بجای او کی‌رش را بگماشت، و تمکین داد و فرمود تا بنی اسرائیل را نیکو دارد، و ایشان را باز جای خویش فرستد». ابن خلدون میگوید: «بخت النصر یهودیان را اسیر کرده... تا اینکه پادشاهان کیانی آنرا پس از ۷۰ سال آوارگی از بیت المقدس بدان شهر بازگردانیدند و آنگاه مسجد را بساختند، و امر دین خویش را بر همان رسم اول که امور فقط در دست کاهنان بود، بنیان نهادند، و کار پادشاهی بایرانیان اختصاص داشت» ۲

مسعودی روایت زیر را نقل میکند ۳: «گویند وی بدوران پادشاهی خود، باقیمانده بنی اسرائیل را به بیت المقدس پس فرستاد، و اقیامشان در بابل تا هنگام بازگشت به بیت المقدس ۷۰ سال بود، و این در ایام کوروش ایرانی بود که در عراق از جانب بهمن پادشاهی داشت».

لازم است در اینجا راجع به چگونگی فتح فلسطین و اسارت قوم یهود تذکری داده شود: بنوکدنصر توانا ترین امپراطور دوره خود، و بزرگترین شاه بابل (۵۶۲-۶۰۵ ق.م) که در زمان وی دولت بابل باوج عظمت خود رسیده بود، پیوسته نقشه توسعه حدود امپراطوری و دست یافتن بدریای مدیترانه و مصر را میکشید. سرانجام در سال ۵۹۷ ق.م. به اورشلیم لشکر کشید، و آن شهر را فتح کرد، و تعداد فراوانی اسیر از بزرگان و صنعتگران یهودی را بیابل فرستاد. چهار سال بعد در این سرزمین جنبشهایی برضد بابل آغاز شد، بنوکدنصر بار دیگر سفری جنگی بان حدود کرد، و پس از پیروزی، دیوارهای شهر اورشلیم و معابد و کاخها را ویران ساخت، و بسیاری اسیر دیگر بیابل فرستاد، بطوری که گذشته از شهر نیپور که بمنزله کلنی یهودیان گردید، این قوم در سایر نقاط مملکت نیز پراکنده شدند. در تورات در این باره چنین میابیم: «واقع شد که بنوکدنصر پادشاه بابل باتمامی لشکر خود، در روز دهم ماه دهم، از سال نهم سلطنت خویش بر اورشلیم برآمد و در مقابل آن اردو زده، سنگری به گرداگردش بنا نمود. و شهر تا سال یازدهم صدقیا پادشاه محاصره شد، و در روز نهم آن ماه قحطی در شهر چنان سخت شد که برای اهل زمین نان نبود، پس در شهر رخنه ساختند، و تمامی مردان جنگی در شب از راه دروازه‌ای که در میان دو حصار نزدیک پادشاه بود، فرار کردند، و حکمرانیان بهر طرف در مقابل شهر بودند (و پادشاه) بر عرابه‌ای رفت، و لشکر کلدانیان پادشاه را تعاقب نموده، در بیابان باورسید... و سپس شرح میدهد

که چگونه هر چه بود غارت کردند ، و همه را بجز عده‌ای برای کشت و زرع باسیری به باطل آوردند ، و پادشاه اورشلیم را نیز کور کردند ، و با خود بردند و فرزنداناش را کشتند . ۱  
 همانگونه که مکرر گفته شده است ، درباره مسئله یهود و بازگردانیدن امرای یهودی بمساکن خود ، تمام متون یکسان و مفصل بحث کرده‌اند ؛ که مسلماً مهمترین و شاید تنها منبع آنان همان تورات بوده است ، که خود بتفصیل این واقعه مهم تاریخی و مذهبی و اجتماعی را شرح میدهد . همه این موضوع را از جنبه مذهبی و رسالتی که کورش برعهده داشته است ، نگریسته‌اند ، همچنانکه نظر تورات نیز چنین بود ، و کورش را ناجی قوم یهود میداند ؛ و حتی مقام او را تا مرحله پیغمبری میرساند . هنگامیکه در این قضیه بدقت غور و مطالعه شود ، مشاهده می‌گردد که کورش دوجنبه انسانی ، و سیاسی را توأم در نظر گرفته است ، بدین معنی که قوم‌گردانی را که مدت مدیدی دور از مسکن و موطن خود باسیری زیسته ، بسرزمین های خود فرستاده ، و دستور داده تمام امکانات در اختیارشان گذاشته شود تا معابد خود را از نو بسازند ، و بترمیم خرابیها بپردازند ، و آنچه که بهیما آورده شده بود باز پس گردانیده ، در جاهای خود قرار دهند ؛ و اما جنبه های سیاسی و مادی آن: فلسطین از لحاظ موقع جغرافیائی خود دارای اهمیتی فراوان از نقطه نظرهای اقتصادی و سیاسی بوده است . سرزمینی که از طرفی دروازه آفریقای شمالی و بخصوص مصر متمدن و آباد و انبارهای گندم یونان مانند لیبی بوده ، و از طرفی در کنار دریای مدیترانه ، و پشت سوریه آباد و آسیای صغیر قرار داشته است . مسلماً در دست داشتن چنین منطقه مهمی ، میتوانست امتیاز فراوانی برای دولت مقتدری فراهم آورد . دولت آشور در سالهای پیش میزان این اهمیت را درک نموده ؛ و آن ناحیه را فتح کرده بود ؛ و حال کورش با تیزبینی و سیاست دقیق خود ، از اهمیت موضوع بی‌خبر نبود . کورش میخواست بدریای مدیترانه از طرفها ، و عصر آباد از طرف دیگر دست یابد . چنانکه نقشه های او را پسرش کبوجیه دنبال کرد ، و گذشته از فتح مصر تا قلب حبشه پیش‌راند . کورش علاوه بر فتح مصر ، اگر بر آفریقای شمالی دست مییافت ، موفق میشد یونان استعمار گرقوی که این منطقه را انبارهای غله خود ساخته بود ، در تنگنای آذوقه قرار دهد . و بر غرب فائق آید . از اینرو مشاهده میشود که فلسطین تاجه حد میتوانست جنبه حیاتی و مهمی برای پیشبرد نقشه ها و هدفهای کورش در برداشته باشد .

کورش با فتح قلوب قوم یهود ، آنان را دست نشانده خود ساخت ، و از طرفی با فرستادن هیئتهای ایرانی برای سرپرستی ساختمانها و نوسازی سرزمین فلسطین ، و ترمیم ویرانیها ، و انتخاب حکام محلی یهودی وابسته بحکومت ایران ، بر آن مملکت ، عملاً زمام امور فلسطین را در دست گرفت و بدون خونریزی و جنگ بر فلسطین پراهمیت دست یافت ، و کلید دریای مدیترانه ، و آفریقای شمالی را بگردن انداخت ، بدون اینکه کینه و خشمی از قوم غالب بردل قوم مغلوب افتد ، و حتی برعکس عنوان ناجی و پیغمبر نیز در کتاب آسمانی اش بگیرد . رؤسای یهود نوشته‌اند : « چگونه مانمک خانه پادشاه را میخوریم ، ما را نشاید ضرر پادشاه ببینیم » ۲

۱- کتاب دوم ، پادشاهان ، ۲۵ ، ص ۶۲۲

۲- تورات ، کتاب عزرا ، باب اول ، ص ۷۳۰

در باره رسالت کورش در تورات چنین میبایم: «در سال اول کورش پادشاه فارس تا کلام خداوند بر زبان ارمیا کامل شود، خداوند روح کورش پادشاه فارس را برانگیخت تا در تمامی ممالک خود فرمانی نافذ کرد، و آنرا نیز مرقوم داشت، و گفت کورش پادشاه فارس چنین میفرماید، یهوه خدای آسمانها جمیع ممالک زمین را بمن داده و مرا امر فرموده است که خانه برای وی در اورشلیم که در یهودا است بنا نمایم. پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدایش باوی باشد؛ او باورشلم که در یهودا است برود، و خانه یهوه را که خدای اسرائیل، و خدای حقیقی است در اورشلیم بنا نماید، و هر که باقی مانده باشد، در هر مکانی از مکانهایی که در آنها غریب میباشد، اهل آن مکان او را بنقره و طلا، و اموال و چهارپایان، علاوه بر هدایای تبرعی بجهت خانه خدا که در اورشلیم است اعانت نمایند. پس رؤسای آبیای یهود او بنیامین، و کاهنان و لایوان با همه کسانی که خدا روح ایشان را برانگیزانیده بود، برخاسته روانه شدند تا خانه خداوند را که در اورشلیم است بنا نمایند؛ و جمیع همسایگان ایشان را بآلات نقره و طلا و اموال و چهارپایان و تحفه ها و علاوه بر همه هدایای تبرعی، اعانت کردند، و کورش پادشاه ظروف خانه خداوند را که بنوکد نصر آنها را از اورشلیم آورده، و در خانه خدایان خود گذاشته بود، بیرون آورد؛ و کورش پادشاه فارس آنها را از دست مترادات خزانه دار خود بیرون آورده به شیشبصر رئیس یهودیان سپرد» (۱)

در جای دیگر، درباره رسالت آسمانی کورش، از قول اشعیاء نبی چنین میگوید: «خداوند که ولی تو است و ترا از رحم سررشته، چنین میگوید: چنین میگوید: من یهوه هستم، و همه چیز را ساختم... درباره اورشلیم میگوید: معمور خواهد شد، و در باره شهرهای یهودا که بنا خواهد شد، و خرابیهای آنها برپا خواهم داشت... و درباره کورش میگوید که او شبان من است، و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید، و درباره اورشلیم میگوید بنا خواهد شد، و در باره هیکل که بنیاد تونهاده خواهد گشت. خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا بحضور وی امتهارا مغلوب سازم، و کمر های پادشاهان را بکشایم تا درها را بحضور وی مفتوح نمایم، و دروازهها دیگر بسته نشود. چنین میگوید که من پیش روی تو خواهم خرامید، و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت» (۲)

در قسمت دیگری از کتاب اشعیاء نبی باز چنین میبایم: «خداوند در شان مسیح خود خورش میفرماید: من دست او را گرفتم تا ملتها را در حیطه اقتدار او در آورم، و از چنگ پادشاهان خونخوار نجات دهم، دروازهها پشت سرهم بروی او باز شد. آری من همه جا با توام، و همه جا ترا در راه راست راهنما خواهم بود، دروازه های آهنین شکسته، و خزانه مدفون، و گنجهای پنهان بدست تو خواهد افتاد. همه این کارها بدست تو خواهد شد، تا بدانی که من یهوه که ترا به اسمت خواندهام، خدای اسرائیل میباشم» ۳.

در آنچه گفته شد تمام متون منثق القول اند. مثلاً در تفسیر ابوالفتح چنین میبایم: «خدای تعالی بر زبان بعضی پیغمبران امر کرد پادشاهی از پادشاهان پارس را که نام او کورش

۱ - کتاب عزرا، باب اول، ص ۷۳۰ - ۲ - کتاب اشعیاء، ۴۵، ص ۱۰۶۴

۲ - تورات: ۴۵.۱.

و او مردی بود مؤمن، که پرو و بنی اسرائیل را ازدست بخت النصر یستان وحلی بیت المقدس را از اوبستان، و باز جای خود بر. اوبرفت و بابخت النصر کارزار کرد ۱ و بنی اسرائیل را از دست اوبستد، وحلی بیت المقدس را باز گرفت و باز جای آورد، ۲

در مبحثی که از اصل و نسب کورش گفتگو بود، دیدیم که اغلب متون وی را از طرف مادر بقوم یهود نسبت داده اند، و حتی بعضی مبالغه را بآن حد رسانیده اند که گفته اند وی مذهب یهودی داشته، زبان عبری میدانسته، ودانیال پیغمبردائی اش بوده است: ... و گفتندی برادر مادرش ۳ اورا توریت آموخته بود، وسخت دانا وعامل بود، وبیت المقدس را آبادان کرد، بفرمان بهمن، وهرچه از مال و چهارپایان و اسباب بنی اسرائیل در خزانه و در دست کسان بخت النصر در خزانه بهمن مانده بود، بایشان داد. و بعضی از اهل تواریخ، گفته اند کی در کتابی از آن پیغمبر بنی اسرائیل یافته اند که ایزد عز وجل وحی فرستاد بهمن کی من ترا گزیدم ... و این توفیق یافت ونام اودر آن کتاب کورش است. ۴ ابن اثیر میگوید: ... و تورات میدانست، و بزبان و خط یهودی آشنا بود، وسختان دانیال و امثال اورا درك میکرد ... ۵

در ترجمه تاریخ طبری این موضوع بتفصیل بدین قرار ذکر شده است: (اور کورش) بنی اسرائیل را نیکو همی داشت وبزرگداشتی، وگفتی این خویشان مادر منند، وبادانیال بزرگ شده بود و خدای عز وجل اورا پیغمبری داده، کیورش را بخدائی خواند و بدین مسلمانی. کیورش اورا مسلمان شد و آتش پرستی و دین آوری دست بازداشت ودین مسلمانی پنهان همی داشت، تا بهمن آگاه نشود. چون از ملک او سیزده سال بگذشت، بهمن بمرد. چون خبر بکورش آمد که بهمن ببلخ نماند، او دین مسلمانی آشکارا کرد، و همه خلق را بشریعت توریت خواند، و بر دین موسی، و دانیال را بر همه پادشاهی خویش حاکم کرد، تا همه خلق را بحکم توریت آورد. (این قسمت در خود تاریخ طبری نیست، ولی در ترجمه بلعی آمده است) و اندر میان ایشان حکم کردی. آنگاه دانیال علیه السلام از اودستوری خواست که به بیت المقدس شود با بنی اسرائیل و آن مزکت، و او شهر را بحال آبادانی باز آرد، ۶ در مورد ساختمان وتجديد بنای اورشليم و بیت المقدس، نیز همه متون که مطالب مهم خود را از تورات گرفته اند، متفق القولاند، و بتفصیل این موضوع را شرح میدهند. همان گونه که گفته شد، کورش علاوه بر يك فکر انسانی، که بیهودیان در تجديد بنای اماکن مقدس و شهرهایشان کمک کرد، برای اینکه پای ایرانیا، و عمال حکومت نیز در آن سرزمین باز شود، تعداد فراوانی کارگر و کارفرما، و هنرمند، تحت ریاست هیئتهای مهم بان صوب فرستاده است: و در متون الاخبار مسطور است که .. کورش کیفیت عظم شان و رفعت مکان بیت المقدس ومسجد اقصی را شنید و برچگونگی احوال اسرائیلیان مطلع شده با اموال بیقیاس وی هزار نفر از استادان بنا وسایر هنرپیشگان به بیت المقدس شتافت، و همت بر تعمیر

۱- البته این نکته که کورش با بخت النصر جنگ کرده اشتباه است، زیرا او سالها بعد از مرگ بخت النصر سلطنت رسیده است ( ذوالقرنین یا کورش، مقدمه دکتر باستانی، ص ۲۶). ۲- ج ۶، ص ۲۷۶. ۳- مقصود دانیال نبی است. ۴- ابن البلیخی فارسنامه، ص ۴۶. ۵- الکامل: ج ۱، ص ۱۱۵. ۶- ص ۶۷۳.

آن بلده و ارتفاع بقاع آن گماشته ، در عرض سی سال مجموع آنچه بخت النصر ویران کرده بود ، معمور و آبادان ساخت. ۱.

در کتاب عزرا در تورات چنین میبایم : کورش در سال ۵۳۷ ق.م از کاخ خود در همدان فرمان زیر را فرستاد: «در باره خانه خدا که در اورشلیم است ، خانه ساخته شود ، جائی که در آن پیوسته قربانیهای آتش برات شود ، بلندیش ۹۰ پا ، و پهنایش ۲۰ پا باشد . با سه رج سنگهای بزرگ ، و یک رج چوب ؛ و هزینه اش از خانه پادشاه داده شود. همچنین آوندها و افزارهای زرین ، و سیمین خانه خدا را که بنوکدنصر از خانه خدا برداشته و بیابیل برده بود، پس بدهند ، و بار دیگر آنها را بپرستشگاهها که در اورشلیم است باز برند. هر یک را بجای خود ، و آنها را در خانه خدا بگذارند. ۲

در این قسمتها مطالب جالبی یافت میشود : «سی هزار نفر استادان بنا و سایر هنرپیشگان» و «هزینه اش از خانه پادشاه داده شود» . این موضوع ادعای فوق را که کورش میخواسته خواه از جهت ایجاد ساختمان ، و خواه از جهت فرستادن و جایگزینی نفرات ، حقی برای خود در فلسطین بوجود آورد ، تأیید میکند.

باز در تورات مورد دیگری میبایم که هنگامیکه در زمان داریوش هخامنشی، در کار فلسطین اختلالی رخ داده بود ، و میخواستند بار دیگر متن فرمان کورش را ببینند و فرمان را در قصر همدان یافتند : « در قصر اهمتا که در ولایت مادیان است ، طوماری یافت شد ، تذکره ای در آن بدین مضمون مکتوب بود ؛ در سال اول کورش ، پادشاه همین کورش پادشاه ، در باره خانه خدا در اورشلیم فرمان داد که آن خانه که قربانیها در آن میگذرانیدند بنا شود ، و بنیادش تعمیر گردد ، و بلندیش شصت ذراع ، و عرضش شصت ذراع ، با سه صف سنگهای بزرگ ، و یک صف چوب نو ، و خرجش از خانه پادشاه داده شود ؛ و نیز ظروف طلا و نقره خانه خدا را که بنوکدنصر آنها را از هیکل اورشلیم گرفته ، بیابیل آورده بود ، پس بدهند. و آنها را بجای خود در هیکل اورشلیم باز برند ، و آنها را در خانه خدا بگذارند. ۳

مقدار و تعداد اشیائی که بنوکدنصر از بیت المقدس بینما برده بود ، و کورش آنها را بصاحبان نشان مسترد داشت ، در توراۃ چنین ذکر شده است : « .. و عدد آنها این است : سی طاس طلا و هزار طاس نقره و بیست و نه کارد ، و سی جام طلا و چهارصد و ده جام نقره از قسم دوم ، و هزار ظرف دیگر . تمامی ظروف طلا و نقره ، پنجاه و چهارصد بود . و شیشبصر همه آنها را با اسیرانی که از بابل باورشلیم میرفتند برد ۴ ،

حزۃ اصفهانی در باره ساختمان محل میگوید ۵ : « و يقال ان الذی اعاد بناها [ای بناء بیت المقدس] الی العمارة بعد سبعین سنة ، ملك اسعه بالعبرانية کورش .»

در خود تورات نیز چنین میبایم : «ما تنها آنرا برای یهوه ، خدای اسرائیل ، چنانکه کورش پادشاه ، سلطان فارس بما امر فرموده است ، بنا خواهیم نمود» ۶ بیرونی و سایر مؤلفین نیز در این باره روایاتی دارند .

- ۱- حبیب السیر؛ ج ۱، ص ۱۳۶ - ۲ - ۳ ، ۵ ، ۳ - کتاب عزرا ، باب اول ، ص ۲۳۷ .  
 ۴ - کتاب عزرا ۱۱ باب اول ؛ ص ۷۳۰ - ۵ - تاریخ سنی ملوک الارض ؛ ص ۲۹ .  
 ۶ - کتاب عزرا ؛ باب اول ؛ ص ۷۳۴ .